

پناهیان: توسعه معنویت بدون تنش و درگیری خواهد بود/درگیری‌های آینده بین دو گروه

معتقد به امام زمان(ع) خواهد بود/ امام حسین(ع): در نزدیکی ظهور، شیعه شیعه را تکفیر

می‌کند

حجت الاسلام پناهیان: توسعه معنویت و حرکت جهان به سوی معنویت، قطعاً آسیب‌هایی خواهد داشت و بدون تنش و درگیری نخواهد بود. وقتی معنویت رشد پیدا کرد، شیطان که بیکار نمی‌ماند و درگیری‌هایی از نوع معنوی راه می‌اندازد. در جامعه ما، قبلاً نزاع‌ها میان مارکسیست و اسلام بود و بعد میان لیبرالیسم و اسلام بود. بعد این نزاع درون دینی شد و بر سر رعایت و اهمیت اخلاق نزاع شد، همین‌طور که جلوتر می‌رویم، به جایی می‌رسیم که دو طرف درگیری بر سر «امام حسین(ع) و امام زمان(ع)» با هم نزاع خواهند کرد. یعنی درگیری‌ها درون مؤمنین خواهد شد. و این فضا را داریم کم‌کم احساس می‌کنیم که هر دو طرف با ذکر مشترک یا حسین(ع) و یابن‌الحسن(ع) با هم درگیر می‌شوند. در روایت هست که در نزدیکی ظهور کار به جایی می‌رسد که شیعه شیعه را تکفیر می‌کند. (امام حسین(ع): لا یكون الأمرُ الذی تنتظرونه حتی یبرأ بعضکم من بعض و ینقل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضاً فقلت له ما فی ذلک الزمان من خیر فقال الحسین ع الخیر کله فی ذلک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذلک کله؛ غیبت نعمانی/۲۰۶/+)

در ادامه بخش‌هایی از چهارمین روز سخنرانی حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در [مسجد دانشگاه تهران](#) با موضوع «حرکت جهان به سوی معنویت و آسیب‌های آن» را به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی می‌خوانید:

امام صادق(ع): در آخرالزمان معنویت ناب از قم به جهان نشر می‌یابد/ جهانی که به سوی معنویت در حال حرکت است با چه آسیب‌هایی مواجه می‌شود؟

- همین‌که یک فرد مؤمن شد، کسی تضمین نکرده است که او تا پایان عمرش دچار انحراف و خطا نشود. لذا کسی که دیندار شد، تازه باید مراقب انحرافات و خطاهای خاص افراد مؤمن و متدین باشد. چون گاهی اوقات با دین، چنان می‌شود ظلم کرد که بدون دین نمی‌شود.
- ما می‌خواهیم آسیب‌های مخصوص به افراد دیندار و جامعه دینی را شناسایی کنیم. می‌خواهیم ببینیم این جهانی که به سوی معنویت در حال حرکت است با چه آسیب‌هایی مواجه می‌شود؟
- روایتی از امام صادق(ع) تقدیمتان کنم که بیشترین اعتبار و سندش به وقوعش است، که حضرت امام(ره) نیز آن را نقل فرموده‌اند(صحیفه امام/۳/۳۳۱). این روایت، به توسعه معنویت و اسلام ناب در آخرالزمان تصریح می‌فرماید و قاعده‌ای را هم در این باره برای ما مطرح می‌کند.
- همان‌طور که می‌دانید کوفه در طول تاریخ مرکز تشیع بوده است. امام صادق(ع) در این روایت می‌فرماید: «یک زمانی کوفه از مؤمنین خالی خواهد شد و علم خودش را از کوفه جمع می‌کند، مثل ماری که خودش را از لانه بیرون می‌کشد و به گوشه دیگر می‌خزد. سپس علم و معارف دینی در شهری به نام قم ظاهر می‌شود؛ ستخلو کوفه من المؤمنین و یأرز عنها العلم کما تأرز الحیة فی جحرها، ثم یظهر العلم ببلدة یقال لها قم»(بحار الانوار/۵۷/۲۱۳)

• این پیش‌بینی امام صادق(ع) است و الان می‌توانید تحقق یافتنش را ببینید. مرکزیت علمی کوفه یا نجف در اثر ظلم صدامیان و اعدام علماء به شدت ضعیف شد و امروز قم این مرکزیت را پیدا کرده است(حضرت امام(ره) در این باره می‌فرماید: و از قم همان طوری که اهل بیت فرموده‌اند علم نشر می‌شود به همه بلاد و الآن می‌بینیم که علم مرکزش قم است و از قم دارد نشر می‌شود...از آنجا تحرک دارد سرایت می‌کند به همه جا؛ صحیفه امام/۳/۳۳۱)

• حضرت در ادامه روایت می‌فرماید: «و آنجا(شهر قم) معدنی برای علم و فضل می‌شود تا اینکه در روی زمین هیچ مستضعف دینی باقی نمی‌ماند(یعنی پیام و معارف دین به همه می‌رسد) حتی دختران خانه‌نشین هم از معارف دینی باخبر می‌شوند و این مسأله نزدیک ظهور امام زمان(ع) است؛ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا»(همان) یعنی علوم و معارف دینی از قم به جهان نشر پیدا خواهد کرد و همه از پیام دین باخبر خواهند شد؛ به این ترتیب حجت بر همه تمام خواهد شد. البته ما نمی‌گوییم الان به همین میزان که در این روایت آمده است، همه دنیا از پیام دین باخبر شده‌اند. نه، هنوز خیلی‌ها هستند که خبر ندارند و باید باخبر شوند.

یک قاعده: جهان نمی‌تواند بدون دین ادامه یابد / خدا جهان بی‌دین را تحمل نمی‌کند

• در ادامه روایت یک قاعده را بیان می‌فرماید: «خداوند متعال اهل قم را جانشینان حضرت حجت(ع) قرار می‌دهد(جانشین حضرت در این امر که دین را منتشر کنند) و اگر این نبود(این نشر دین از قم به جهان در آخرالزمان نبود) زمین و زمان کن فیکون می‌شد و حجتی در زمین باقی نمی‌ماند؛ فَيَجْعَلُ اللَّهُ قَوْمًا وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ، مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ»(همان)

• این روایت از یک قاعده، پرده بر می‌دارد که جهان نمی‌تواند بدون دین ادامه دهد؛ خداوند جهان را بی‌دین تحمل نخواهد کرد. و اینکه جهان می‌تواند در اوج ظلم و فساد و تباهی به حرکت خودش ادامه بدهد و نابود نشود به خاطر آن نفسی است که از دین کشیده می‌شود(چه از قم، چه کوفه یا جای دیگر) مهم این است که دین نفس بکشد.

• در ادامه روایت می‌فرماید: «علم(معارف دین) از قم به سایر بلاد منتشر می‌شود، و حجت بر خلق تمام می‌شود و احدی روی زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه دین به او رسیده است، سپس امام زمان(ع) ظهور خواهد کرد؛ فَيَقْبِضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ع»(همان)

مخالفت برخی شیعیان با امام زمان(ع) بعد از ظهور، نمونه‌ای از آسیب‌های رشد معنویت است

• در انتهای روایت هم یک جمله درباره آسیب‌های رشد معنویت بیان شده است: «سپس امام زمان(ع) ظهور می‌کند و امام زمان(ع) می‌شود سبب نعمت و بلای خدا که بر سر بندگان می‌آید! خداوند بندگان را عذاب نمی‌کند مگر بعد از اینکه بندگان حجت را انکار کنند؛ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ع وَ يَسِيرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً»(همان) پس طبق این روایت، قبل از ظهور حجت بر همه تمام می‌شود و بعد وقتی خود امام زمان(ع) می‌آید تازه یک عده‌ای شروع به انکار ایشان می‌کنند و بر حضرت خروج می‌کنند، و حضرت دستور قتلشان را صادر می‌فرماید.(فَبَيْنَا صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرِ قَدْ حَكَمَ بَعْضُ الْأَحْكَامِ وَ تَكَلَّمَ بَعْضُ السُّنَنِ، إِذْ خَرَجَتْ خَارِجَةٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يُرِيدُونَ الْخُرُوجَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ انْطَلِقُوا فَيَلْحَقُونَهُمْ فِي التَّمَارِينِ فَيَأْتُونَهُ بِهِمْ أُسْرَى فَيَأْمُرُ بِهِمْ فَيَذْبَحُونَ؛ تفسیر عیاشی/۲/۵۶)

توسعه معنویت بدون تنش و درگیری نخواهد بود/ درگیری‌های آینده بین دو گروه معتقد به امام زمان(ع) خواهد بود

- توسعه معنویت و حرکت جهان به سوی معنویت، قطعاً آسیب‌هایی خواهد داشت و بدون تنش و درگیری نخواهد بود. وقتی معنویت رشد پیدا کرد، شیطان که بیکار نمی‌ماند و درگیری‌هایی از نوع معنوی راه می‌اندازد.
- در جامعه ما، قبلاً نزاع‌ها میان مارکسیست و اسلام بود و بعد میان لیبرالیسم و اسلام بود. بعد این نزاع درون دینی شد و بر سر رعایت و اهمیت اخلاق نزاع شد، همین‌طور که جلوتر می‌رویم، به جایی می‌رسیم که دو طرف درگیری بر سر «امام حسین(ع) و امام زمان(ع)» با هم نزاع خواهند کرد. یعنی درگیری‌ها درون مؤمنین خواهد شد. و این فضا را داریم کم‌کم احساس می‌کنیم که هر دو طرف با ذکر مشترک یا حسین(ع) و یابن‌الحسن(ع) با هم درگیر می‌شوند. در روایت هست که در نزدیکی ظهور کار به جایی می‌رسد که شیعه را تکفیر می‌کند. (امام حسین(ع): لا یكون الأمر الذی تنتظرونه حتی یرأ بعضکم من بعض و یتئل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضاً فقلت له ما فی ذلک الزمان من خیر فقال الحسین ع الخیر کله فی ذلک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذلک کله؛ غیبت نعمانی/۲۰۶(+)

- چندی قبل بعضی‌ها که خودشان را شیعه می‌دانند در برخی شبکه‌های ماهواره‌ای انگلیس، می‌گفتند: «من ثابت می‌کنم هر کسی که طرفدار ولایت فقیه باشد، کافر است» پس می‌بینید که ما الان در واقع از سوی دو گروه، داریم تکفیر می‌شویم. و معلوم می‌شود که شیعه تکفیری هم وجود دارد. لابد چند وقت دیگر هم، کارشان به اینجا خواهد رسید که می‌گویند: اینها که کافر هستند، باید به قتل برسند! چرا؟ چون یک کسی که خودش را نائب امام زمان(ع) می‌داند، حکم به تکفیر اینها داده است!

چرا در متن دین و معنویت این آسیب‌ها تولید می‌شود؟/ زیرا کسی که دیندار شود ولی نفسش را مهار نکند، با همین دین علیه دین اقدام خواهد کرد

- حالا چرا در متن دین و معنویت این آسیب‌ها تولید می‌شود؟ کسانی که دیندار می‌شوند ولی نفس خودشان را مهار نمی‌کنند، با همین دین و اخلاق، علیه دین اقدام خواهند کرد. کسانی که حریف نفس خودشان نیستند، با اخلاق، دین و قرآن به دین و مؤمنین ضربه می‌زنند.
- از همان روز اول که خواستید به جوان‌تان آموزش دین بدهید، به او بگویید: «من دارم اینها را به تو یاد می‌دهم ولی مراقب باش که همین‌ها را بهانه نکنی و علیه دین قیام کنی!» نباید به فرزندمان بگوییم: اگر نمازخوان و اهل هیات بشوی و قرآن هم بخوانی دیگر تمام است! این غلط است. امام رضا(ع) می‌فرماید: در آخر الزمان عده‌ای هستند که محبت ما اهل بیت(ع) را در دل دارند ولی فتنه‌ای راه می‌اندازند که بدتر از دجال است! (إن من ینتجل مودتنا أهل البیت، من هو أشد فتنه علی شیعتنا من الدجال؛ صفات الشیعه/۸)
- حدود ۲۰ سال پیش در جامعه می‌گفتیم: «اگر یک قطره اشک برای امام حسین(ع) بریزید، تمام است» چون آن موقع خیلی‌ها بودند که اصل «ارزش اشک ریختن برای امام حسین(ع)» را خرافات می‌دانستند و ما مجبور بودیم از اصل اشک ریختن دفاع کنیم و فضای تخریبی آن زمان اجازه نمی‌داد که از آسیب‌ها و استثناءهای خارج از قاعده صحبت کنیم. ولی الان دیگر نمی‌گوییم اگر یک قطره اشک برای امام حسین(ع) بریزید، دیگر تمام است و هیچ استثنائی ندارد. باید مراقب آسیب‌های هم دینداری باشید.

اینکه برخی مؤمنین به روی امیرالمؤمنین(ع) شمشیر کشیدند نشان می‌دهد آسیب‌های دینداری چقدر پیچیده است

- از امیرالمؤمنین(ع) پرسیدند: خوارجی که شما آنها را در نهروان کشتید، منافق بودند؟ حضرت فرمود: نه! آنها برادران مؤمن ما بودند که اشتباه کردند و علیه ما شوریدند(عَنْ جَعْفَرِ عَ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا لَمْ يَكُنْ يَنْسُبُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ حَرْبِهِ إِلَى الشَّرْكِ وَلَا إِلَى النِّفَاقِ وَ لَكِنَّهُ كَانَ يَقُولُ هُمْ إِخْوَانُنَا بَعَوًا عَلَيْنَا؛ قرب الإسناد/۹۴) یعنی امیرالمؤمنین(ع) حاضر نشد به دشمنان درجه اول خودش هم بگوید که آنها منافق بودند.
- پس ممکن است برخی از مؤمنین اشتباه کنند و به روی امیرالمؤمنین(ع) شمشیر بکشند. اینها نشان می‌دهد که موضوع آسیب‌های دینداری چقدر جدی و پیچیده است.

مراقب باشید یک‌دفعه‌ای به یک قسمت دین زیادی علاقمند نشوید! بعضی‌ها یک‌دفعه‌ای «عشق قرآن» شدند و جلوی امیرالمؤمنین(ع) ایستادند

- سعی کنید به هیچ قسمت دین بیش از حد تعیین شده در دین، علاقه پیدا نکنید؛ چون ممکن است معنایش این باشد که قسمت‌های دیگر دین را به زمین انداخته‌اید. به همه قسمت‌های دیندر حد خودش علاقه داشته باشید. چون اگر یک‌دفعه‌ای به یک قسمت دین، علاقه بیش از حد پیدا کنید، باید شک کنید که نکند دلم من مریض است.
- بعضی‌ها یک‌دفعه‌ای عشق عدالت ظاهری می‌شوند! مثل آن کسی که یک‌دفعه‌ای زیادی به عدالت علاقه پیدا کرد و آمد به رسول خدا(ص) گفت: چرا این غنایم را عادلانه تقسیم نمی‌کنید! (أَقْبَلَ رَجُلٌ... بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَثَرُ السُّجُودِ، فَسَلَّمَ وَ لَمْ يَخْصُ النَّبِيَّ ص، ثُمَّ قَالَ: قَدْ رَأَيْتُكَ وَ مَا صَنَعْتَ فِي هَذِهِ الْغَنَائِمِ. قَالَ ص: وَ كَيْفَ رَأَيْتَ؟ قَالَ: لَمْ أَرَكَ عَدَلْتَ. فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ: وَيْلَكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ الْعَدْلُ عِنْدِي فَعِنْدَ مَنْ يَكُونُ؟)(ارشاد مفید/۱۴۸/۱) یعنی عشق به عدالت باعث شد جلوی پیامبر(ص) بایستد.
- بعضی‌ها هم یک‌دفعه‌ای عشق قرآن شدند. و وقتی -در صفین- قرآن‌ها سر نیزه رفت، خون جلوی چشم‌شان را گرفت. و امیرالمؤمنین(ع) که قرآن ناطق بود را کنار گذاشتند.
- رسول خدا(ص) می‌فرماید: «می‌تواند دین خدا را کمک کند مگر کسی که به همه جهت‌های دین احاطه داشته باشد؛ إِنَّ دِينَ اللَّهِ تَعَالَى لَنْ يَنْصُرَهُ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ»(کنز العمال/۲۸۸۸۶)

بعضی‌ها به خاطر بی‌حجابی‌های خیابان، ضد انقلاب می‌شوند/ بعضی‌ها یک‌دفعه‌ای عشق اخلاق می‌شوند

- بعضی‌ها به خاطر بی‌حجابی‌های خیابان، ضد انقلاب می‌شوند. یک‌دفعه‌ای عشق حجاب می‌شوند و تمام دینشان می‌شود حجاب! اینها از بسترهای انحراف است.
- مثلاً یک آقای، یک‌دفعه‌ای عاشق این می‌شود که «اسلام گفته است زن باید به شوهر خودش تواضع کند» درست است که اسلام این را گفته است، ولی از سوی دیگر اسلام این را هم گفته است که اگر یک مردی همسر خود را اذیت کند، حتی اگر شهید هم بشود، دچار فشار قبر خواهد شد. این قسمت اسلام را هم باید در نظر گرفت.

- بعضی‌ها یک‌دفعه‌ای به اخلاق گیر می‌دهند! و این روایت را می‌خوانند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» در حالی که این حدیث را فقط ابوهریره نقل کرده است و در کتب معتبر شیعه نقل نشده است. از نظر معنایی هم معمولاً غلط ترجمه می‌کنند. یعنی نه دلالت و نه سند، درست نیست. از کسانی که یک‌دفعه‌ای بیش از حد به اخلاق گیر می‌دهند، باید پرسید: «با این اخلاق می‌خواهی دنبال چه منفعتی می‌گردی؟»

بعضی‌ها یک‌دفعه‌ای عشق «برائت» و لعن می‌شوند/ هرچه به آخر الزمان نزدیک می‌شوید، تقیه بیشتر می‌شود

- بعضی‌ها یک‌دفعه‌ای عشق برائت می‌شوند و می‌گویند: ما باید به هر قیمتی لعن کنیم! می‌گویند: در روایت فرموده است که هر کسی لعن نکرد، او را هم لعن کنید. پس ما، شما را هم لعن می‌کنیم! در حالی که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: به همه جوانب دین احاطه داشته باشید (ان دین الله تعالی لن ینصره الا من حاطه من جمیع جوانبه؛ کنز العمال/ ۲۸۸۶)
- آیا این روایت را نشنیده‌اید که فرموده‌اند: هرچه به آخر الزمان نزدیک می‌شوید، تقیه بیشتر می‌شود؟ (امام صادق (ع): کَلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ؛ کافی/ ۲/ ۲۲۰) جالب اینجاست که وقتی این روایت‌ها را برایشان می‌خوانیم، بلافاصله می‌گویند: «سند این روایت‌ها محکم است؟» ولی آن روایت‌هایی که خودشان درباره لزوم لعن کردن می‌خوانند، به دنبال محکم بودن سندش نیستند!

برخی ناگهان عشق «اطاعت از حرف خلیفه» شدند و خون امام حسین (ع) را مباح کردند

- می‌دانید کربلا چگونه برقرار شد؟ یک‌دفعه‌ای گفتند: «با عبدالله الحسین (ع) حرف خلیفه مسلمان را زمین گذاشته است!» آنها هم، همین یک جمله را گرفتند و به آن گیر دادند و همه دین را کنار گذاشتند! در حالی که همین‌ها زمان امیرالمؤمنین (ع) سخنان حضرت را زمین می‌انداختند و توجه نمی‌کردند. یک‌دفعه‌ای عشق به «اطاعت از حرف خلیفه» پیدا کردند و خون امام حسین (ع) را مباح کردند.

حسین (ع) را با دین جدّ حسین (ع) کشتند و الا نمی‌شد این قدر آدم برای قتل حسین (ع) بسیج کرد/ از ماست بر ماست

- این داستان را شنیده‌اید: «روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست...» وقتی یک تیر به بال آن عقاب بلندپرواز برخورد کرد، برای عقاب این سؤال مطرح شد که آن تیر، چگونه توانسته به آن ارتفاع بالا برسد؟ بعد دید که یکی از پره‌های خودش در انتهای آن تیر قرار دارد، اینجا بود که گفت: «از ماست که برماست»
- می‌دانید آنها چگونه توانستند حسین (ع) را به قتل برسانند؟ در واقع با دین جدّ حسین (ع) حسین (ع) را کشتند و الا نمی‌توانستند این قدر آدم برای قتل حسین (ع) بسیج کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: بعد از ظهور هم دل امام زمان (ع) را خون می‌کنند. از امام صادق (ع) پرسیدند: چگونه؟ حضرت فرمود: با آیات قرآن دل امام زمان (ع) را خون می‌کنند و نیش و کنایه می‌زنند و با آوردن آیات قرآن به کارهای حضرت ایراد می‌گیرند. (ان قَائِمًا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ جَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ... وَ إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ آتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَ اللَّهُ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بِيوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرْوَ الْقُرُ؛ غیبت نعمانی/ ۲۹۷) اینها از آسیب‌های دین است.

اگر دین کسی را درست نکند، او دین را خراب کرده و به نفع خودش مصادره می‌کند

- اگر دین کسی را درست نکند، او دین را خراب خواهد کرد. یعنی اگر کسی دیندار بشود ولی با دینداری کردن، درست نشود، او دین را به نفع خودش مصادره خواهد کرد.
- از خدا می‌خواهیم حتی اگر ما داشتیم از راه منحرف می‌شدیم، یک حسین مهربانی سر راهمان قرار دهد و ما را از وسط راه باز گرداند. حتی حاضریم امام حسین(ع) سر ما داد بزند، ولی با همین داد زدن، آدم شویم.

گاهی انسان با یک داد، آدم می‌شود / حرّ همین‌طوری عوض شد

- گاهی اوقات انسان با یک داد، آدم می‌شود، حرّ همین‌طوری عوض شد. امام حسین(ع) در کربلا به این سادگی‌ها در مقابل کسی عصبانی نشد. ولی دید حرّ این قابلیت را دارد که با یک تلنگر، عوض شود، لذا به او نهیب زد: «مادرت به عزایت بنشیند، این چه برخوردی است؟» (فَقَالَ الْحُسَيْنُ ع لِحُرٍّ ثَكَلْتِكَ أُمِّكَ مَا تُرِيدُ؛ وقعه الطف/۱۷۱) امام حسین(ع) به عمر سعد این‌طوری تشر نزد، چون دید او لیاقتش را ندارد.
- حرّ آمد جواب حضرت را بدهد، ولی نتوانست و گفت: من چه بگویم که مادر شما حضرت فاطمه(س) است (فَقَالَ لَهُ الْحُرُّ أَمَا لَوْ غَيْرُكَ مِنَ الْعَرَبِ يَقُولُهَا لِي وَهُوَ عَلَى مِثْلِ الْحَالِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا مَا تَرَكْتُ ذِكْرَ أُمِّهِ بِالْثُكُلِ كَأَنَّهَا مِنْ كَانٍ وَ لَكِنْ وَاللَّهِ مَا لِي إِلَى ذِكْرِ أُمِّكَ مِنْ سَبِيلٍ إِلَّا بِأَحْسَنِ مَا يُقَدَّرُ عَلَيْهِ؛ وقعه الطف/۱۷۱) اینجا بود که معلوم شد نهیب اباعبدالله(ع) کار خودش را کرده است...
- من حدس می‌زنم وقتی حرّ این‌گونه ارادت خودش به زهرای اطهر(س) را نشان داد، نظر حسین(ع) درباره حرّ این‌طور بود که: عجب جوانمردی است؛ به مادرم احترام گذاشت! اگر چند نفر مثل او در مدینه بودند که به مادرم احترام بگذارند، اصلاً در خانه ما آتش نمی‌گرفت...

